

اخلاق و بازار آزاد

• تیم هارفورد، مترجم: گلچهره پاکدل

بنیاد جان تمپلتن چندی پیش مجموعه مقالاتی برای من فرستاد که در آن‌ها به این پرسش پرداخته شده بود که «آیا بازار آزاد اخلاقیات را مضمحل می‌کند؟» با توجه به آنکه هیچ تعریف مورد توافقی از بازار آزاد، اخلاقیات و از همه مهم‌تر چگونگی شکل‌گیری اخلاقیات، وجود ندارد خودتان می‌توانید حدس بزنید که پاسخ‌ها اغلب تا چه حد خارج از موضوع بودند.

نویسنده‌ای مثل کی هیموویتز به آثار اخلاقی منفی چت‌روم‌ها پرداخته بود و جایگزین به‌گوتای به نقش جهانی‌سازی در بهبود اوضاع جهان، هرچند جهانی‌سازی ممکن است آثار مثبتی داشته باشد، اما اینجا بی‌ارتباط با سوال مطرح شده است.

می‌توان خیلی راحت‌تر نظام‌هایی را برشمرد که بسیار بیشتر از بازار آزاد برای اخلاقیات مضر بوده‌اند مثل: فاشیسم آلمان، یا کمونیسم استالینی. هرچند بازار آزاد در برابر برخی تصورات آرمانی کودکانه ممکن است زشت و منحط بنماید.

نمی‌دانم آیا این همان سوال است یا نه، اما می‌توان پرسید:

«آیا بازار آزاد اخلاقیات را مجازات می‌کند؟»

در شکل متعادل، پاسخ منفی است. بازارهای اغلب (البته نه الزاماً) سخت کوشی، ریسک‌پذیری معقول، خلاقیت و هدفمندی و صداقت را پاداش می‌دهند. مفهوم کلیدی اینجا رقابت است: رقابت به ما امکان می‌دهد که از معامله با افراد فریبکار، کم‌خرد و تنبل، خودداری کنیم. همه این‌ها با این فرض است که ما بتوانیم چنین افرادی را از ظاهرشان تشخیص دهیم و اغلب اوقات هم می‌توانیم. اکثر اعمال ما در بازار به شکل مستقیم یا غیرمستقیم دومرتبه تکرار می‌شوند. مثلاً من هر روز از یک سوپرمارکت خرید می‌کنم و به نفع نه من و نه فروشنده است که این رویه را بی‌دلیل بر هم بزنیم. اینجا نفع تقلب بسیار ناچیز است.

اما وقتی اعمالی را در بازار انجام می‌دهیم که دیگر تکرار نمی‌شوند، وسوسه تقلب افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل هم هست که تورهای مسافرتی، خرید مستغلات و بیمه‌های بازنشستگی را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همه این‌ها تا به اینجا بیشتر از بصیرت عمومی می‌آید تا شواهد علمی، اما شواهد علمی هم در این زمینه وجود دارند. یک یافته الهام‌بخش از پژوهشی میان فرهنگی که توسط سه اقتصاددان انجام شده و در ژورنال ساینس به چاپ رسیده است در این زمینه به ما کمک می‌کند. سیمون گجر، بندیک هرمان و کریستین تونی از شهروندان ۱۶ شهر جهان خواسته‌اند که در نوعی بازی «کالای عمومی» شرکت کنند که در آن بازیکنان باید دائم میان منافع جمع و منافع خویش یکی را برگزینند.

پژوهش‌های اولیه نشان می‌داد اگر افراد اختیار تنبیه بازیکنان خودخواه و گرفتن منابع آن‌ها را داشته باشند این کار را می‌کنند و در نهایت نوعی همکاری همه‌جانبه شکل می‌گیرد، اما گجر و همکارانش دریافته‌اند که در بسیاری از جوامع خلاف این اتفاق می‌افتد:

یعنی کسانی که تنبیه می‌شوند به جای گرفتن درس عبرت و روی آوردن به همکاری شروع به ابداع طرح و نقشه برای تلافی و گرفتن انتقام می‌کردند. نتایج کلی شگفت‌آور بود: رفتار تیمی در کشورهایی که دارای دموکراسی‌های مبتنی بر بازار آزاد بودند بسیار قوی‌تر بود. آمریکایی‌ها، استرالیایی‌ها، انگلیسی‌ها و سوئیسی‌ها کمترین میزان مجازات‌های تنبیهی را داشتند؛ درحالی که روس‌ها، یونانی‌ها و سعودی‌ها بیشترین مقدار را. دوام همکاری در ایالات متحده، دانمارک و سوئیس خیلی بیشتر بود، درحالی که در ترکیه، عربستان سعودی و یونان همکاری‌ها خیلی زود از هم می‌پاشید.

همکاری و برهیز از انتقام‌جویی و خشونت همه اخلاقیات نیست و این هم تنها یک بازی آزمایشگاهی بود. با این حال به نظر می‌رسد با وجود سابقه طولانی فعالیت بازارهای به نسبت آزاد در آمریکا، استرالیا، بریتانیا، سوئیس و دانمارک این کشورها بخش مهمی از اخلاقیات شان را همچنان حفظ کرده‌اند. /

